

## قطعهنامه کنگره چهاردهم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

### در باره ضرورت دفاع از مبارزات اقتصادی و صنفی کارگران

با توجه به مبارزات امید بخش کارگران ایران که برای مطالبات معوقه خود و از جمله؛ ایجاد تشکل های اقتصادی و صنفی مستقل خودشان، علیرغم سرکوب های جنایتکارانه جمهوری اسلامی هم چنان ادامه دارد.

و با توجه به این که متأسفانه بخشی از فعالان چپ ایران به نام انقلاب و سوسیالیسم، معتقدند که هر تلاشی برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری، ضرورتاً باید با اعلام ضدیت با نظام سرمایه داری و کار مزدی همراه گردد و مخصوصاً اتحادیه های کارگری را ظرفی برای سازش طبقاتی معرفی می کنند و مورد مخالفت قرار می دهند؛

کنگره چهاردهم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در ادامه سنت دفاع پیگیر خود از هر نوع تشکل مستقل کارگری و از جمله؛ اتحادیه های مستقل کارگری، لازم می داند یک بار دیگر بر نکات زیر تأکید ورزد:

**یک** - پیکار برای سوسیالیسم صرفاً به وسیله مبارزان انقلابی اینارگر و مجهز و وفادار به آرمان بزرگ کمونیسم شکل نمی گیرد؛ جنبش سوسیالیستی ضرورتاً و بیش از هر چیز، جنبش طبقاتی پرولتاریا، یعنی "جنبش مستقل اکثریت عظیم به نفع اکثریت عظیم است". این جنبش بنا به تعریف، باید کل طبقه کارگر را با خود همراه سازد و بنابراین نمی تواند فقط محدود به کارگران کمونیست، سوسیالیست، یا حتی کارگران معتقد به اندیشه های سیستماتیک ضد سرمایه داری باشد.

**دو** - اکثریت عظیم کارگران نه با گرویدن به اندیشه های مجرد این یا آن متفکر بزرگ، بلکه تنها با پیکارهای روزمره برای منافع ملموس خودشان است که پیوندهای طبقاتی و هم سرنوشتی خود را با کل کارگران در می یابند و ضرورت گریزناپذیر مبارزه علیه هر نوع بهره کشی انسان از انسان دیگر را کشف می کنند. در بطن مبارزات اقتصادی، صنفی، روزمره و محدود این یا آن بخش کارگران است که جنبش مستقل طبقه کارگر شکل می گیرد و به افق های سوسیالیستی دست می یابد. هر چه این مبارزات بخش های مختلف کارگران برای خواست های بی واسطه و روزمره خودشان گسترده تر و عمومی تر گردد، اشکال سازمان یابی پایدارتری پیدا کند و توده وسیع تری از کارگران به مدار این مبارزات اقتصادی و صنفی کشیده شوند، امکان هم آهنگی میان مبارزات بخش های مختلف کارگران بیشتر می گردد و زمینه مساعدتری برای جهت گیری سوسیالیستی طبقه کارگر فراهم می آید. بنابراین مبارزات اقتصادی و صنفی کارگران سطحی ضروری و تعطیل ناپذیر از کل مبارزه طبقاتی پرولتاریاست که تداوم و مشروعیت آن به موجودیت این یا آن مبارزه سیاسی بستگی ندارد و محدود کردن آن به جنبش سوسیالیستی و یا تحمیل رهبری جنبش سوسیالیستی بر آن، روند تکوین آرایش طبقاتی پرولتاریا را در برابر سرمایه، گاه برای دوره هایی طولانی مختل می سازد.

**سه** - تردیدی نباید داشت که مبارزات اقتصادی و صنفی کارگران به خودی خود به مبارزه سوسیالیستی منتهی نمی گردد، بلکه اساساً تحت تأثیر جنبش سوسیالیستی است که می تواند جهت گیری روشن و پایدار سوسیالیستی پیدا کند. و جنبش سوسیالیستی فقط از طریق جایگیر شدن در بطن مبارزات و تشکل های اقتصادی و صنفی بخش های مختلف کارگران و پذیرفتن ضرورت و مشروعیت این مبارزات و تشکل ها می تواند کارگری شود و توانایی رویارویی تاریخی با سرمایه را پیدا کند. مبارزات اقتصادی و صنفی کارگران پایدارترین میدان تجمع توده ای کارگران و سطحی اجتناب ناپذیر برای تکوین همبستگی طبقاتی آنهاست. در بطن این مبارزات است که کارگران بیشترین تأثیر پذیری از جنبش سوسیالیستی و بیشترین آمادگی برای دست یابی به افق های سوسیالیستی را پیدا می کنند. بنابراین فعالان کمونیست - سوسیالیست ضمن این که هرگز نباید از تلاش بی امان برای جهت گیری سوسیالیستی در بطن مبارزات و تشکل های اقتصادی و صنفی کارگران غفلت کنند، ولی باید توجه داشته باشند که این جهت گیری هرگز با نادیده گرفتن نقش اجتناب ناپذیر این مبارزات و تشکل ها در تجمع توده ای کارگران و اختلال در آنها (که خواه نا خواه به منزوی شدن کارگران کمونیست - سوسیالیست در میان توده کارگران منتهی می گردد) صورت نگیرد.

**چهار** - دفاع از ضرورت مبارزات و تشکل های اقتصادی و صنفی کارگران و حتی دفاع از اتحادیه های کارگری ضرورتاً به معنای دفاع از الگوی خاص و ثابتی از سازماندهی نیست. سازمانیابی کارگران بسته به شرایط و مراحل مختلف پیکارهای طبقاتی می تواند اشکال متفاوتی داشته باشد و حتی یک شکل واحد در شرایط مختلف پیکار طبقاتی می تواند کارکردهای متفاوتی پیدا کند. آن عده از فعالان چپ ایران که اتحادیه های کارگری را ظرفی برای سازش طبقاتی معرفی می کنند، اولاً با تأکید بر ضرورت تعهد مبارزات اقتصادی و صنفی کارگران به ضدیت با سرمایه داری، اهمیت حیاتی این سطح از مبارزات طبقه کارگر را نادیده می گیرند؛ و ثانیاً به مسأله توازن قوا در پیکارهای طبقاتی توجهی ندارند. در حالی که هر یک از این دو خطا کافی است تا توده کارگران را از فعالان سوسیالیستی بیگانه سازد، جریان های سوسیالیستی را به فرقه های ایدئولوژیک جدا از طبقه کارگر تبدیل کند و در نتیجه، نا خواسته،

مبارزات اقتصادی و صنفی کارگران را به زیر نفوذ سیاسی و فکری جریان های مختلف بورژوازی بکشاند. تاریخ صدوپنجاه ساله جنبش کارگری نشان می دهد که اولاً اتحادیه کارگری شایع ترین و پایدارترین شکل سازمانیابی مبارزات اقتصادی و صنفی طبقه کارگر است ؛ ثانیاً ضرورتاً الگوی سازمانی و اداری ثابتی ندارد ؛ و ثالثاً در مقابل اشکال دیگر سازمانیابی کارگری ( از " شورای نمایندگان کمیته های کارخانه " و انواع "شورا" های کنترل تولید و مدیریت گرفته تا مجامع عمومی موسسات اقتصادی ، تعاونی های مختلف کارگری و صندوق های همیاری کارگری و غیره ) قرار ندارد و بسته به شرایط و مراحل مختلف پیکارهای طبقاتی می تواند به موازات آنها کارکرد داشته باشد و یا حتی با بعضی از آنها ترکیب شود.

**پنج** - آنهایی که سازشکاری و بوروکراتیزه شدن پاره ای از اتحادیه های کارگری را دلیلی بر فساد پذیری ذاتی این تشکل کارگری می دانند ، فراموش می کنند که تشکل های دیگر کارگری نیز می توانند به فساد کشیده شوند. نمونه های احزاب کمونیست یا شوراهایی که به فساد کشیده شده اند کم نیست. ضرورت مبارزه دائمی علیه سازش های طبقاتی و فساد شدن این یا آن تشکل معین کارگری به خودی خود نمی تواند ، فسادپذیری ذاتی این یا آن شکل از سازمانیابی کارگری را نشان بدهد. مبارزه کاملاً برحق علیه سازشکاری بعضی از اتحادیه های کارگری نباید به ضدیت با هر نوع اتحادیه کارگری بیانجامد ؛ همان طور که مبارزه علیه بوروکراتیسم بعضی از تشکل های اقتصادی و سیاسی نباید توجیهی برای نفی هر نوع تشکل باشد ؛ یا برای گریز از محدودیت ها و مخاطراتی که در بعضی سازماندهی های مخفی به وجود می آید ، نباید به نفی هر نوع سازماندهی مخفی سوسیالیستی ، آن هم در یک کشور استبداد زده ، پرداخت.

مرداد ۱۳۸۸ اوت ۲۰۰۹